



معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک پلیس راهور فراجا به نقش «سرعت» در سوانح رانندگی اشاره کرد و گفت: میزان شدت ضربه در تصادفات با سرعت ۲۵ کیلومتر با سقوط از طبقه نهم ساختمان برابر است. به گزارش مهر، سرهنگ علی اصغر زارع با تشریح ابعاد فنی و رفتاری تخلف سرعت غیرمجاز، اظهار کرد: برخلاف برداشت عمومی، تمرکز تخلقات سرعت به آزادراه ها و بزرگراه ها محدود نیست، بلکه این رفتار پرخطر در همه سطوح شبکه راهی کشور مشاهده می شود و به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی در تحلیل تصادفات، نقش تعیین کننده ای در افزایش شدت خسارات دارد. وی با اشاره به خطای ادراکی رانندگان در کم اهمیت تلقی کردن افزایش های جزئی سرعت افزود: حتی افزایش ۱۰ کیلومتر بر سرعت فراتر از حد مجاز، از منظر مهندسی ترافیک و ایمنی، می تواند به صورت تصادفی به افزایش انرژی جنبشی و در نتیجه تشدید صدمات به سرشینیان و وسیله نقلیه منجر شود. زارع در تشریح مبانی فیزیکی این پدیده گفت: فرایند افزایش ناگهانی سرعت، موجب افزایش چند برابری وزن مؤثر اجسام می شود. به عنوان نمونه، یک جسم دو بیست گرمی هنگام توقف ناگهانی می تواند نیرویی معادل سیزده کیلوگرم تولید کند که این امر بیانگر شدت انتقال انرژی در لحظه برخورد است. وی ادامه داد: افزایش سرعت، ریسک وقوع تصادف را از دو منظر کلیدی تشدید می کند. نخست، کاهش زمان ادراک و واکنش راننده و دوم افزایش میزان انرژی ذخیره شده که در لحظه برخورد آزاد می شود و مستقیماً با شدت تروماهای وارد شده ارتباط دارد. معاون اجتماعی پلیس راهور با ارائه مقایسه های عینی برای درک بهتر شدت ضربات ناشی از سرعت، افزود: برخورد در سرعت نود کیلومتر بر ساعت، از منظر شدت ضربه معادل سقوط از طبقه اول ساختمان است. این شاخص در سرعت ۱۱۰ کیلومتر بر ساعت به طبقه پنجم و در سرعت ۱۲۵ کیلومتر بر ساعت به طبقه نهم افزایش می یابد که نشان دهنده رشد شدت آسیب هاست.

حمله نافرجام با میل گرد به مأموران انتظامی

شهرآرا سارقی جوان که برای فرار از پلیس راهی پشت بام شده بود، برای اینکه دستگیر نشود، با میل گرد به مأموران حمله کرد، اما ناکام ماند و دستگیر شد. در پی گزارش چند فقره قاپ زنی تلفن همراه و دیگر وسایل با ارزش توسط جوان موتورسوار در شهر مشهد، موضوع در دستور کار تیمی از مأموران پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت. کارآگاهان با بررسی اظهارات مال باختگان و استفاده از تصاویر به دست آمده از دوربین های مدار بسته محدوده سرقت ها، متهم را که فردی جوان و سابقه دار است، شناسایی کردند. تیم رسیدگی کننده پرونده، پس از جمع آوری ادله و مستندات کافی، با هماهنگی قضایی برای دستگیری متهم وارد عمل شد، اما متهم به محض اطلاع از حضور مأموران انتظامی، از پشت بام منزل متواری شد. با چابکی عوامل انتظامی، متهم که با میل گرد به سمت آن ها حمله ور شده بود، زمین گیر شد. در بازرسی از مخفیگاه متهم دو دستگاه تلفن همراه مسروقه، مقداری دلار و طلا کشف شد. متهم سی و چهار ساله در بازجویی و مواجهه با تعدادی از مال باختگان، به ۳۳ فقره قاپ زنی تلفن همراه و کیف پول در شهر مشهد اعتراف کرد. متهم پس از سیر مراحل قانونی، با صدور حکمی روانه زندان شد.

دستگیری متهم سابقه داری که مواد فروش شده بود

شهرآرا پلیس مشهد در بازرسی از مخفیگاه یک سوداگر مرگ، ۱۸۲ بسته موادیونئ کشف کرد. مأموران کلانتری شهید آستانه پرست با رصد های اطلاعاتی خود به خبری مبنی بر تهیه و توزیع گسترده مواد افیونی توسط فردی سابقه دار در هسته مرکزی شهر مشهد دست یافتند. تیم رسیدگی کننده پرونده پس از چند روز کنترل نامحسوس، مخفیگاه متهم را در محدوده شهرک نوید بولوار طبرسی جنوبی شناسایی کردند و با هماهنگی قضایی برای دستگیری او وارد عمل شدند. مأموران در این عملیات ضربتی، ضمن دستگیری این سوداگر مرگ، در بازرسی از مخفیگاهش مقداری هروئین، شیشه و حبشیش در قالب ۱۸۲ بسته آماده فروش کشف کردند. متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

دستبند پلیس بر دستان مأمور نمای اخاذ

شهرآرا با تلاش مأموران کلانتری خواجه ربیع، یک مأمور نمای اخاذ شناسایی و دستگیر شد. در پی گزارش چند فقره اخاذی از شهروندان با عنوان مأمور پلیس در حوزه استحفاظی کلانتری خواجه ربیع توسط مردی جوان، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. مأموران دایره امنیت عمومی کلانتری خواجه ربیع با بررسی اظهارات مال باختگان و به دست آوردن مشخصات ظاهری متهم، تحقیقات میدانی گسترده ای را برای دستگیری این فرد شیاد آغاز و با اشراف اطلاعاتی، او را در اقدامی غافل گیرانه دستگیر کردند. متهم در بازجویی ها به چهار فقره اخاذی از شهروندان در پوشش مأمور پلیس اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

یک دزدی عاشقانه!

سعید جلائیان

گزارش

حوالی ساعت ۱۱ زن جوانی برای صحبت با تلفن همراه از یک مغازه در بولوار شهید کلاهدوز خارج شد. او همان طور که با گوشی آیفون ۱۷ پرو مکسش با فردی در پیاده رو قدم می زد. دو دقیقه از مکالمه این زن نگذشته بود که صدای کرکننده یک دستگاه موتورسیکلت از پشت سر، سبب شد زن جوان ناخواسته سرش را به عقب برگرداند و چشمش به چشمان ترک نشین موتورسیکلتی بیفتد که دستش را به سوی گوشی ۲۰۰ میلیون تومانی او دراز کرده بود. زن خواست اقدامی کند تا مانع سرقت گوشی همراهش شود، اما سارق در یک لحظه گوشی او را قاپید. زن جوان با صدای بلند جیغ کشید و توجه کسبه و شهروندان را جلب کرد. راکب موتورسیکلت بلافاصله دسته موتور را به سمت پلی که پیاده رو را به خیابان متصل می کرد، چرخاند، اما به سبب توقف یک دستگاه خودرو و شامی بلند، نتوانست از روی پل عبور کند و در پیاده رو به مسیرش ادامه داد. موتورسیکلت مستقیم به سمت پنج نفر از کسبه خیابان شهید کلاهدوز که صدای زن را شنیده و در پیاده رو ایستاده بودند، حرکت کرد. راکب گمان می کرد با افزایش سرعت، همه آن ها از مسیر کنار می روند. با نزدیک شدن موتورسیکلت به پنج مرد جوان، آن ها کنار رفتند، اما یکی از کسبه با دستش یقه ترک نشین را گرفت و او را از روی موتورسیکلت به پایین انداخت. راکب موتورسیکلت بدون توجه به همدستش که روی زمین افتاده بود، به مسیرش ادامه داد و فرار کرد. ترک نشین از روی زمین برخاست و با فریاد «حجت! حجت!» به دنبال موتورسیکلت دوید، اما توسط شهروندان گرفتار شد. تعدادی از کسبه که شاهد درگیری شهروندان با این متهم بودند، بلافاصله پلیس را در جریان گذاشتند. به دنبال تماس کسبه، سرهنگ رجبعلی صفایی، رئیس کلانتری سناباد، با صدور دستوراتی تخصصی، بلافاصله تیمی از مأموران دایره تجسس این مرکز پلیس را به محل اعزام کرد. هم زمان با اعزام مأموران به محل، متهم گوشی ۳۰۰ میلیون تومانی را که دزدیده بود، به سوی جوانانی که او را احاطه کرده بودند، انداخت. او امید داشت که با این کار بتواند از مهلکه فرار کند و خواست از محل متواری شود، اما تعدادی از عابریان و شهروندان مانعش شدند. متهم پس از اینکه نتوانست با بازگرداندن مال دزدی راهش را باز کند، اقدام به تهدید شهروندان کرد، اما باز هم تلاشش سودی نداشت. او وقتی متوجه تماس کسبه با پلیس شد، حتی تلاش کرد با مظلوم نمایی فرار کند، اما هر بار

کسی کوتاه می آمد، افراد دیگری مانعش می شدند. این وضعیت با حضور پلیس در محل و دستگیری متهم پایان یافت.

شناسایی متهم توسط شاکیان

پس از دستگیری متهم، تعدادی از کسبه به مأموران گفتند که متهم و همدستش پیش از این نیز در منطقه دست به سرقت زده اند و اعلام کردند با مال باختگانی تماس گرفته اند و آن ها برای شناسایی متهم در راه هستند. کارآگاه جمال رحیمی، رئیس دایره تجسس کلانتری سناباد، به این افراد قول داد که به همه شکایات رسیدگی خواهد شد و از شاکیان برای حضور در کلانتری دعوت کرد. پس از انتقال متهم به مقر پلیس، او ابتدا مانند بسیاری از متهمان دیگر ادعا کرد که فقط همین سرقت را انجام داده است و سابقه دیگری ندارد، اما این ادعایش از ورود شاکیان پایان یافت. پس از حضور زن جوان در کلانتری سناباد، شاکیان دیگری یک به یک برای شناسایی متهم مراجعه کردند. مأموران نیز با بررسی پرونده های موبایل قاپی، با مال باختگانی که مشخصات سارق اموال آن ها با متهم مطابقت داشت، تماس گرفتند. به دنبال این اطلاع رسانی، در مدتی کوتاه چندین مال باخته به کلانتری سناباد آمدند و علاوه بر زن جوان، دست کم هشت نفر متهم را شناسایی کردند. متهم که حالا توسط ۹ شاکی شناسایی شده بود و می دانست پلیس در حال کشف جرائم بیشتر او و همدستش است، تلاش کرد با مقصر جلوه دادن همدستش، بخشی از بار مسئولیت را از دوشش بردارد. متهم با ارائه نام، نشانی و شماره تلفن همدست فراری اش، او را مسبب اصلی این دزدی ها معرفی کرد و گفت: اسم من محسن است و هجده سال دارم. پدرم راننده تاکسی است و من هم بیشتر از مقطع ابتدایی درس نخواندم. پس از ترک تحصیل شغل های زیادی امتحان کردم. بیشتر به دنبال کارهای فنی بودم، تا اینکه یک موتورسیکلت خریدم. خرید این وسیله نقلیه سبب رفیق بازی های من شد.

خرید موتورسیکلت و آغاز رفیق بازی

متهم ادامه داد: پس از خرید موتورسیکلت، دوستان زیادی پیدا کردم. برای همین بود که پس از یک مدت کوتاه، کارم را رها کردم و به عنوان بیک موتوری مشغول به کار شدم. با اینکه چند ساعت در روز بیشتر کار نمی کردم و بیشتر وقتم را با دوستانم می گذراندم، درآمدم بد نبود و از زندگی راضی بودم. همه چیز خوب پیش می رفت، تا اینکه با دختری به نام سهیلا آشنا شدم. او دختری زیبا، باکلاس و ساکن محدوده هفتم تیر بود. من که تا آن زمان با هیچ دختری رابطه نداشتیم، فکرمی کردم عاشق شده ام. برای اینکه پیش

اوکم نیاورم، مدام با سهیلا در کافه ها، رستوران ها و مکان های شیک قرار می گذاشتم. یکی دو ماه از رابطه مان نگذشته بود که فهمیدم همه پس اندازم را صرف خرید هدیه و خرج قرارهایم کرده ام. راستش تصحیر خودم بود. چون وقتی در اولین قرار سهیلا خواست پول رستوران را حساب کند، غیرتی شدم و با او دعوا کردم. بعد هم گفتم که دیگر حق ندارد چنین حرفی بزند. من با همین حرفم ناخواسته خودم زمینه این وضعیت را فراهم کردم.

مشورت با دوست ناباب

متهم ادامه داد: اوایل بهمین ماه درباره این ماجرا با دوست صمیمی ام، حجت، حرف زدم؛ همان دوست نامردم که من را رها کرد و گریخت. من فکر می کردم او که برابرم مثل برادر بود، بگوید رابطه من سودی ندارد و نباید تماشایم کنم، اما برعکس، او گفت این دختر بهترین گزینه برای ازدواج است و نباید رهاایش کنم. پس از آن حجت گفت پیشنهادی دارد که می تواند هر دو مان را راضی کند. ما به پاتوقمان در پارک رفتیم و آنجا حجت به من توضیح داد که اگر خوب کار کنیم و شانس داشته باشیم، می توانیم هر کدام ماهیانه حدود ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشیم. من تعجب کردم؛ چون حجت اهل کارکردن نبود. پرسیدم چطور ممکن است. حجت به موتورم

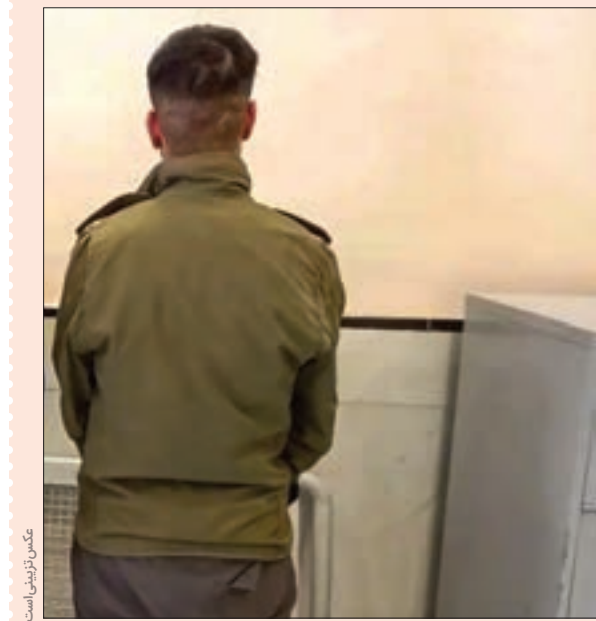
دستگیری مأمورنمایی که لباس خلبانی پوشیده بود!

ابوعطا جمعه گذشته گروهی از افسران کلانتری کوی پلیس در حال گشت زنی در محدوده کلانتری خود وارد خیابان احزاب شدند و متوجه پرسیه زنی فردی شدند که لباس سبزرنگ خلبانان هوانیروز را به تن دارد. مأموران بلافاصله موضوع را به سرهنگ عباس عطایی، رئیس کلانتری کوی پلیس، اعلام کردند و با صدور دستورات تخصصی، مأمور دستگیری این فرد و بررسی هویت او شدند. مأموران آن قدر با تجربه بودند که تشخیص دهند احتمالاً با یک مأمورنما روبه رو شده اند. به همین دلیل، بلافاصله راه این فرد را سد و مرد جوان را متوقف کردند. در بازرسی از این فرد، مشخص شد که او پارچه سبزی رنگی را شبیه غلاف کلت به کمر بسته و یک کلت اسباب بازی شبیه واقعی را در آن گذاشته است. مأموران همچنین متوجه شدند که مرد جوان یک کیف برنزی را طوری روی سینه بسته که از دور شبیه خشاب است. افسران کلانتری کوی پلیس با هماهنگی های لازم متهم را به کلانتری منتقل کردند. با انتقال مرد جوان به کلانتری، وقتی مأموران از او که خودش را هادی معرفی

خبر



اشاره کرد و بعد از من پرسید قبول داری که من موتورسواری حرفه ای هستم و دست فرمان خوبی دارم؟ من فقط سر تکان دادم و او ادامه داد که ما می توانیم با دزدیدن هر گوشی، بین ۱۵ تا ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشیم. او این راهم گفت که کار فروش گوشی را انجام می دهد. محسن در ادامه ادعایش گفت: من گفتم تا حالا دزدی نکرده ام و سراغ پول حرام نرفته ام، اما حجت من را راضی کرد. ما از اوایل بهمین شروع به موبایل قاپی کردیم. حجت راکب بود و من روی ترک می نشستیم. او طعمه را پیدا می کرد و من که روی ترک نشسته بودم، گوشی را قاب می زدم. هفته های اول از این کار خیلی می ترسیدم، اما پس از یک ماه ترسم ریخت. ما حدود سی دستگاه تلفن همراه سرقت کردیم و همه آن ها را حجت به یک مال خر فروخت و سهم من را داد. پولی که از این راه به دست آوردیم، بی برکت و کمتر از آن چیزی بود که حجت وعده اش را داده بود. درست است که رابطه من و سهیلا همچنان ادامه پیدا کرد، اما هیچ کدام نفهمیدیم پولی را که از این راه به دست آوردیم، چطور هزینه کردیم. پس از ثبت اظهارات، متهم با هماهنگی مقام قضایی به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد و تلاش پلیس برای دستگیری همدست فراری او و کشف جرائم احتمالی دیگر متهمان ادامه دارد.



جدول ۴۵۳۴											
شخصی	جمع دایره	ک	و	ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ
موی محمد	پوستین	د	ر	ز	س	ی	ل	م	ن	ه	و
مخزن گلوله	اتوبان	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
توجه	جانباه	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
تفاوت	خوردن	ن	ا	م	د	ر	ا	م	د	ر	ا
پایبسته	قبل غذا	ن	ا	م	د	ر	ا	م	د	ر	ا
کتاب سربسی	فلاسه گاری	ص	د	ر	ی	ا	ب	ن	د	ا	ب
سایکس	گاری	ص	د	ر	ی	ا	ب	ن	د	ا	ب
تلخ	درد	ج	م	ل	م	ر	ا	ق	ی	ا	ب
ازموارها	کلاتری	م	خ	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون	شناسایی	ف	ا	ن	ز	م	ر	ا	ق	ی	ا
کلیدرهم	برگه	ش	س	ا	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
آبرون											